

«تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن»

مهرداد رایجیان اصلی^(۱)

پیش‌بینی مقرراتی در زمینه تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی یکی از جلوه‌های بارز سیاست تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران به شمار می‌رود. اجرای این سیاست از طریق جمع مجازات‌های جرایم متعدد یا اجرای مجازات‌ها، گاه دشواری‌هایی به همراه دارد که با حقوق متهمان و محکومان برخورد می‌کند. روشن نبودن سقف تشدید مجازات‌ها یا ابهام در تشخیص مجازات‌ها، از مهمترین دشواری‌هاست که آگاهی از آنها نشان می‌دهد به رغم توجیه‌پذیری تشدید مجازات‌ها در صورت تعدد جرم، حقوق انسانی متهمان و محکومان را نباید در برابر اتخاذ چنین سیاستی نادیده انگاشت.

کلیدواژه‌ها: تعدد جرم، تعدد واقعی، تعدد اعتباری، جمع مجازات‌ها، تشدید مجازات، مجازات‌ها.

مقدمه :

تعدد جرم به عنوان یکی از علت های عمومی تشدید مجازات، جایگاه ویژه‌ای در قانون مجازات عمومی هر کشور دارد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز در فصل سوم باب سوم از کتاب اول، مقرراتی در این زمینه پیش بینی کرده است. مواد ۴۶ و ۴۷ از این قانون، بی آن که تعدد جرم را تعریف کند، تنها به بیان گونه های آن پرداخته است. در ساده ترین تعریف می توان گفت تعدد جرم یعنی ارتکاب دو یا چند جرم توسط یک نفر در فاصله های زمانی مختلف بدون آن که یکی از اتهام های مرتکب به محکومیت قطعی رسیده باشد. تعدد را معمولاً به « واقعی یا مادی » و « اعتباری یا معنوی » تقسیم می کنند. تعدد واقعی ارتکاب دو یا چند جرم جداگانه است که « هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می کند »^(۱)، مانند قاتلی که یک فقره تجاوز به عنف مرتکب می شود یا خائن در امانتی که یک فقره شروع به کلاهبرداری نیز انجام می دهد. تعدد اعتباری ارتکاب رفتار واحدی است که دو یا چند عنوان مجرمانه بر آن مترتب می شود و به همین جهت به آن، « تعدد عنوانی » هم گفته اند. قانون مجازات اسلامی نیز با الهام از مقررات پیش از انقلاب از همین طبقه بندی پیروی کرده است. از دیدگاه جرم شناسانه، ارتکاب جرایم متعدد از نشانه های حالت خطرناک بزهکار است و به همین خاطر تشدید مجازات او را ایجاب می کند. تدبیر سیاست گذاران کیفری جهان در تشدید مجازات چنین مرتکبانی یا از طریق اجرای مجازات شدیدتر یا در چارچوب قاعده جمع مجازات ها یا تشدید مجازات جرایم متعدد با رعایت شرایطی صورت می پذیرد. قانون مجازات اسلامی نیز با هماهنگ سازی دیدگاههای فقهی و عرفی از هر سه شیوه پیروی کرده است. بدیهیست بکارگیری هر سیاست و تدبیری در مبارزه با بزهکاری - از جمله در جرایم متعدد - گذشته از برتری کاستی هایی نیز دارد. این مسأله در قلمرو تشدید مجازات به دلیل برخورد با آزادی های فردی و حقوق انسانی متهمان و بزهکاران اهمیت بیشتری می یابد. از این رو در مقاله ای که پیش رو دارید تلاش شده است تا ضمن بررسی مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی برخی دشواری ها و کاستی های موجود در این زمینه به محک تحلیل گذاشته شود.

مبحث نخست: نگاهی به مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی

مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به بیان قواعد عمومی تعدد جرم پرداخته اند. صدر ماده ۴۶ حکم تعدد جرم را به « جرایم قابل تعزیر» محدود ساخته و در تبصره ماده ۴۷ حکم تعدد در حدود، قصاص و دیات از شمول این دو ماده خارج شده است. بنابراین اگر کسی مرتکب چند فقره زنا - پیش از اجرای حد - شود مطابق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی « در صورتی که مجازات ها از یک نوع باشد موجب تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازات ها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آن ها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود». همچنین « هرگاه کسی چندبار مسکر بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است.»

الف) تعدد واقعی جرایم با نگاهی به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۷ در مقام بیان « تعدد واقعی» به سه حالت اشاره می کند:

۱- تعدد جرایم مختلف در پرتو قاعده جمع مجازات ها

هرگاه جرایم ارتكابی مختلف باشد برای هر یک مجازات جداگانه تعیین می شود. برای نمونه، اگر کسی برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل دولتی سندی جعل کند، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به مجازات جعل نیز محکوم خواهد شد (ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی). همچنین « هر کس بدون مجوز مشروع نبش قبر کند به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال محکوم می شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن هم محکوم خواهد شد» (ماده ۶۳۴ همان قانون).

بدین ترتیب، در قلمرو تعدد جرایم مختلف، براساس قاعده فقهی « عدم تداخل» اصل جمع مجازات ها جاری می شود. در حقوق فرانسه نیز - برای نمونه - در گذشته فقط به شدیدترین مجازات حکم داده می شد. ولی، در قانون مجازات جدید اصل جمع مجازات ها با شرایطی پذیرفته شده است. به موجب ماده ۳-۱۲۳ از این قانون در تعدد واقعی جرایم « ممکن است به هر یک از مجازات های مقرر در قانون حکم داده شود» ولی، اگر مجازات های جرایم متعدد از یک نوع باشد (مثلاً همگی حبس) باشند، « تنها به یک مجازات تا بالاترین حداکثر قانونی می توان رأی داد» (ماده

۲- تعدد جرایم مشابه و تشدید اختیاری آن

هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می شود که در این قسمت تعدد جرم می تواند از علت های تشدید مجازات باشد. برای نمونه، اگر شخصی مرتکب دو فقره کلاهبرداری شود، «علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود»، (ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷) و قاضی می تواند مجازات تعیین شده را تشدید کند.

پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که آیا منظور از جرایم غیر مختلف، لزوماً جرم های مشابه از یک نوع است یا خیر؟

برخی از حقوقدانان با استناد به قسمت اخیر ماده واحده «قانون تعریف محکومیت های مؤثر در قوانین جزایی» مصوب ۲۶ مهر ۱۳۶۶، جرم های سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا و خیانت در امانت را «جرم مشابه» انگاشته اند.^(۲) بعضی دیگر نیز معتقداند اشکالی وجود ندارد جرایمی را که از نظر طبیعت مشابه اند در یک نوع قرار داد.^(۳)

به نظر ما، مبنای تمایز جرایم مختلف و مشابه در تعدد جرم، عناصر سه گانه سازنده آنها است و جرم های مشابه مندرج در قسمت اخیر ماده واحد قانون تعریف محکومیت های مؤثر را نیز باید به همان قانون منحصر دانست.^(۴)

پرتال جامع علوم انسانی

۱- استفانی (گاستون)، لوسور (رز) بولک (برنار)، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۷۸۴ و ۷۸۵.

۲- ولیدی (دکتر محمد صالح)، حقوق اختصاصی، جلد اول، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ص ۵۹
۳- نوریها (دکتر رضا)، همان، ص ۴۵۷.

۴- مطابق بند ۵ از این ماده واحده، «سابقه محکومیت لازم الاجراء دوبار یا بیشتر به علت جرم های عمدی مشابه با هر میزان مجازات» یکی از مصداق های محکومیت مؤثر کیفری شناخته شده است. بدین ترتیب جرایم پنج گانه ذکر شده در قسمت اخیر ماده واحده، تنها در مقام توضیح عبارت «جرم های عمدی مشابه» مندرج در بند ۵ این قانون است.

۳- گونه خاصی تعدد واقعی جرایم

سرانجام اگر مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود. برای نمونه هرگاه دو یا چند سارق مسلح در شب با اختیار کردن عنوان یا لباس مستخدم دولت به سرقت مقرون به آزار یا تهدید دست بزنند، در اینجا با وجود ماده ۵۵۵ (غصب عناوین و مشاغل)، ۶۵۲ (سرقت مقرون به آزار) و ۶۸۸ و ۶۶۹ (تهدید و اکراه) از قانون مجازات اسلامی که جرایم متعدد هر یک از مرتکبان را جداگانه جرم انگاری کرده‌اند، مطابق ماده ۶۵۱ همان قانون با آنان رفتار خواهد شد، زیرا مجموع جرایم ارتكابی هر مرتکب در ماده اخیر عنوان خاصی دارد.

همچنین راننده ای که بدون پروانه یا گواهینامه رسمی مرتکب قتل غیر عمد ناشی از تخلف‌های رانندگی می‌شود، با وجود ماده ۷۳۲ (رانندگی بدون پروانه) و ۷۱۴ (قتل غیر عمد رانندگی)، در شمول ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ قرار می‌گیرد، چرا که مجموع جرایم ارتكابی او در این ماده دارای عنوان خاصی است که مطابق آن باید حکم داده شود. ولی، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۳۸ به تاریخ ۱۳۷۸/۶/۹ ماده ۷۱۸ را از مصداق‌های تعدد معنوی (اعتباری) انگاشته است.^(۱)

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- به موجب این رأی: « به صراحت ماده ۷۱۸ ق.م.ا. ق.م. ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ همان قانون که مقرر داشته هرگاه راننده یا متصدی وسائل موتوری که در حین رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شده در موقع جرم مست بوده یا پروانه نداشته به بیش از دو سوم حداکثر مجازات در مواد فوق محکوم خواهد شد موضوع از مصادیق بارز تعدد معنوی جرم می‌باشد زیرا چنانچه نظر مقتن بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هر یک از جرایم مزبور می‌باشد، با وجود مواد ۷۱۴، ۷۲۳، ۴۷، قانون مجازات اسلامی دیگر نیازی به وضع ماده ۷۱۸ آن قانون نبوده و با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدد جرم است که در خود قانون مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است ... » (برگرفته از: اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامی، ناشر: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (ریاست جمهوری)، تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۹۶، ذیل پانویشت شماره ۱). آن طور که پیداست تعدد مادی جرم در نظر دیوان فقط در چارچوب جرایم متعددی که مستلزم تعیین مجازات جداگانه‌اند قابل تصور است، در حالی که دیدیم این حالت، تنها یکی از فرض‌های تعدد واقعی

به نظر می‌رسد شبهه دیوان از نظریه ای ناشی شده است که قسمت سوم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را از فرض‌های تعدد اعتباری می‌داند.^(۱) ولی، چنان که خواهیم دید این نظریه با مفهوم دقیق تعدد اعتباری همخوانی ندارد. وانگهی، با نگاهی به پیشینه ماده ۴۷ می‌توان دریافت که بازگشتی‌ست به ماده ۲ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲ مهر ۱۳۱۲ که در مورد تعدد واقعی جرایم پیش بینی می‌کرد: «اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد، محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علی حده صادر خواهد کرد ولو اینکه مجموع آن اعمال به موجب قانون جرم خاصی شناخته شده باشد....». (تاکید از ماست).

سپس، در ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۳/۷ چنین مقرر شد: «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مقررات تعدد جرم رعایت نخواهد شد و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد». بدین ترتیب، از آنجا که ماده ۳۲ قانون موصوف - در مقام بیان حکم تعدد واقعی - در چند بند (الف تا ط) وضع شده بود، منظور قانونگذار وقت این بود که فرض مورد بحث از شمول مقررات بندهای پیشین خارج است، زیرا در این مورد قانون خاص وجود دارد.

با توجه به آنچه تاکنون گذشت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگر جرمی با یکی از وصف‌های تشدید کننده مجازات به وقوع پیوسته باشد، چنانچه وصف تشدید کننده خود موضوع جرم مستقلی باشد، تعدد واقعی در یکی از حالت‌های زیر رخ خواهد داد:

- جرایم ارتكابی مختلف باشند (موضوع قسمت نخست ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰). مانند سرقت همراه با سلاح موضوع مواد ۶۵۲ و ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ که در آنها قاعده جمع مجازات از طریق جمع حبس و شلاق به اجرا در می‌آید.

جرایم (موضوع قسمت اول ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی) به شمار می‌رود.

۱- پیمانی (دکتر ضیاءالدین)، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، ناشر: معاونت پژوهشی مجتمع آموزشی

- مجموع جرایم ارتكابی در قانون دارای عنوان خاصی ست (موضوع قسمت سوم ماده ۴۷). مانند قتل غیر عمد ناشی از رانندگی بدون پروانه موضوع ماده ۷۱۸.

۴- فرض‌های خارج از ماده ۴۷؟

اگر چه در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی فرض‌های تعدد واقعی جرایم پیش بینی شده است، ولی در موادی دیگر از قانون مقرراتی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد از شمول ماده ۴۷ خارج اند. برای نمونه، در ماده ۵۴۷ برای جرم فرار از زندان، شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس پیش بینی شده، ولی در ادامه آمده است اگر زندانی برای فرار در زندان را شکسته یا خراب کرده باشد، «علاوه بر تامین خسارت وارده، به هر دو مجازات محکوم خواهد شد». ویژگی این ماده که به روشنی از مصداق‌های تعدد واقعی محسوب می‌شود این است که قاعده جمع مجازات‌ها را در یک ماده و از طریق تبدیل مجازات‌های انتخابی (شلاق یا حبس) به الزامی (شلاق و حبس) به اجرا در آورده است.

همچنین در ماده ۶۵۲ سرقت مقرون به آزار یا مسلحانه، مستوجب حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق شناخته شده و در ادامه مقرر شده است اگر جرحی نیز واقع شده باشد مرتکب علاوه بر مجازات جرح (قصاص عضو یا دیه) به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌شود. با در نظر گرفتن این ماده می‌توان دریافت که چنانچه تعدد واقعی به صورت اجتماع حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تحقق یابد نیز قاعده جمع مجازات‌ها اعمال خواهد شد.

ب - تعدد اعتباری جرایم با نگاهی به ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که با الهام از مواد ۲۴ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و ۳۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ نوشته شده، تعدد اعتباری یا معنوی را ارتكاب فعل واحدی دانسته است که دارای عنوان‌های متعدد جرم باشد. بدین ترتیب، تعدد اعتباری در نظام عدالت کیفری گذشته و حال ایران همواره به صورت تعدد عنوانی پذیرفته شده است. تفاوت ماده ۴۶ با مقررات پیش از انقلاب این است که تعدد اعتباری را تنها به جرایم قابل تعزیر شامل می‌داند.

۱- تعدد عنوانی در پرتو قاعده مجازات اشد

ترتیب دو یا چند عنوان مجرمانه بر رفتار واحد، استثنایی ست بر قواعد عمومی تعدد جرم و به همین خاطر آن را با عنوان «تعدد اعتباری» در برابر «تعدد واقعی» به کار برده اند. سنتی ترین نمونه تعدد عنوانی، «استفاده از سند مجعول برای انجام کلاهبرداری» ست که با توجه به مرکب بودن عنصر مادی کلاهبرداری تحقق این گونه از تعدد را میسر می سازد. به بیان دیگر، کسی که از یک سند مجعول به عنوان وسیله متقلبانه برای کلاهبرداری استفاده می کند رفتاری مرتکب شده است که چنانچه در نتیجه آن موفق به بردن مال دیگری شود، دارای دو عنوان «استفاده از سند مجعول» و «کلاهبرداری» ست. حال اگر مرتکب در بردن مال توفیقی حاصل نکند، تعدد عنوانی به صورت «استفاده از سند مجعول» و «شروع به کلاهبرداری» متجلی می شود.^(۱)

نمونه بارز دیگر تعدد عنوانی که در زمان حکومت قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ اعتبار داشت «هتک ناموس علنی و به عنف» موضوع مواد ۲۱۰ و ۲۱۲ قانون موصوف بود. از آنجا که عنصر مادی هر جرم اصولاً از سه جزء: رفتار (ترک فعل یا فعل فیزیکی)، شرایط (اوضاع و احوال) و نتیجه (در صورت مقید بودن جرم) تشکیل می شود، می توان گفت جرایم مندرج در مواد ۲۱۰ و ۲۱۲ در جزء نخست عنصر مادی (فعل فیزیکی هتک ناموس) مشترک بودند و تنها در جزء دوم (شرایط «عنف» و «علنی بودن») از هم جدا می شدند. یعنی قانونگذار بر اساس دو وصف علنی بودن و عنف، برای فعل هتک ناموس به طور جداگانه جرم‌انگاری کرده بود. راه حل تعیین مجازات در چنین مواردی را ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی به این صورت پیش بینی می کرد که «هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که جزای آن اشد است».

با تصویب ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی و نسخ مواد ۲۱۰ و ۲۱۲ قانون سابق

۱- در اینجا باید توجه داشت اگر مرتکب، جاعل سند نیز باشد، تعدد واقعی رخ داده است، زیرا جعل و استفاده از سند مجعول دو جرم جداگانه اند. رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ - تاریخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ و شماره ۶۴۲ - تاریخ ۱۳۷۸/۹/۹ و نظریه های شماره ۷/۲۳۴۴۴ - ۷/۲۳/۱۳۶۳ و ۷/۵۲۸۱ - ۷/۹/۱۳۷۸ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز همین نظر را تأیید می کنند. برای دیدن رأی‌ها و نظریه های یادشده بنگرید به: اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه

برخی حقوقدانان نمونه‌های بحث‌انگیزی برای تعدد عنوانی مطرح ساخته‌اند. عده‌ای «تجاوز به اراضی و تپه‌های آثار باستانی» و «حفاری غیر مجاز» را مصداقی از تعدد عنوانی انگاشته‌اند و آن را چنین توجیه کرده‌اند که «با صرف عمل حفاری تجاوز نیز خود به خود صورت گرفته و فعل واحدی از فردی صادره شده که دارای دو عنوان تجاوز و حفاری غیر مجاز است...»^(۱)

برخی دیگر نیز «سرقت کتیبه منقوش» را که سارق برای ربودن آن ناگزیر از «تخریب» آن شده است، مصداق تعدد عنوانی (اعتباری) تلقی کرده‌اند.^(۲) در مورد نخست، چنین به نظر می‌رسد که با توجه به مواد ۵۶۲ (حفاری غیر مجاز) و ۵۶۳ (تجاوز به اراضی... تاریخی و مذهبی) از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، عناصر سه‌گانه سازنده هر دو جرم مستقلاً تحقق می‌یابد. به بیان دیگر آنچه این دو جرم را از یکدیگر جدایی‌کننده عناصر سازنده آنهاست و بدین ترتیب در این نمونه فعل واحدی که دو عنوان مجرمانه را در خود جمع کند قابل تصور نیست. به همین خاطر اگر مرتکب بلافاصله پس از تجاوز به منطقه ممنوعه دستگیر شود به جرم ماده ۵۶۳ محکوم خواهد شد. در نتیجه، این گفته که «با صرف عمل حفاری تجاوز نیز خود به خود صورت گرفته» درست به نظر نمی‌رسد، زیرا جرم تجاوز مستقلاً و پیش از بزه حفاری به وقوع پیوسته است. چنانچه نمونه «استفاده از سند مجعول برای کلاهبرداری» را با این مثال مقایسه کنیم به تفاوت آنها بهتر می‌توان پی برد. در آن نمونه، تا پیش از ارتکاب یا شروع به ارتکاب کلاهبرداری فرد را نمی‌توان به استفاده از سند مجعول متهم ساخت، زیرا «استفاده از سند مجعول» را در این مورد، تنها در چارچوب عنصر مادی کلاهبرداری (که که از نادر جرم‌های مرکب است) می‌توان تصور کرد. در حالی که در مورد تجاوز به اراضی و حفاری غیر مجاز چنین نیست.

در نمونه «تخریب کتیبه منقوش برای سرقت آن» نیز عناصر سازنده دو جرم با توجه به مواد ۵۵۸ (تخریب اموال تاریخی، فرهنگی) و ۵۵۹ (سرقت این اموال) کاملاً مستقل از هم به نظر می‌رسند و بنابراین در اینجا هم نمی‌توان فعل واحدی را تصور کرد. باز هم در مقایسه، با دقت در نمونه «هتک ناموس علنی و به عنف» می‌توان

۱- توره‌ها (دکتر رضا)، همان، ص ۴۵۵

۲- اردبیلی (دکتر محمدعلی)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲

دریافت که عناصر سازنده این دو عنوان چنان در هم تنیده‌اند که هیچ یک را بدون دیگری نمی‌توان انگاشت. یعنی به مجرد این که کسی که در ملأ عام زنی را به زور مورد تجاوز قرار دهد، تعدد عنوانی تحقق یافته است، مگر آن که یکی از دو وصف «عنف» یا «علنی» مفقود باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت در تعدد اعتباری (عنوانی)، عناصر سازنده عنوان‌های مجرمانه دو یا چندگانه همزمان به وقوع می‌پیوندد.

بی‌گمان، مبنای عقیده این دسته از حقوقدانان را نظریه‌ای تشکیل می‌دهد که «مقدمه بودن جرمی نسبت به جرم دیگر» را از مصداق‌های تعدد اعتباری یا معنوی می‌انگارد.^(۱) ولی، تردیدی نیست که این نظریه با مفاد ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی - در باب تعدد عنوانی - همخوانی ندارد. وانگهی، با در نظر گرفتن ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ که «شکستن یا خراب کردن در زندان برای فرار از آن» را به صراحت تعدد واقعی انگاشته است باید گفت «مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر» از مصداق‌های تعدد واقعی یا مادی است^(۲) نه تعدد اعتباری.^(۳)

با توضیحاتی که درباره تعدد اعتباری داده شد می‌توان به نادرستی رأی وحدت

۱- پیمانی (دکتر ضیاء‌الدین)، همان، ص ۲۰. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز با تأثیر از این دیدگاه در نظریه شماره ۷/۹۲۸ تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۴ چنین گفته است: «هر گاه جرایم ارتكابی بعضی مقدمه بعض دیگر بوده و یا از لوازم آن بشمار آید و مجموع آنها نیز دارای عنوان خاص جزایی باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است».

۲- برخی حقوقدانان ضمن پذیرفتن واقعی بودن تعدد جرایم در این حالت معتقداند در چنین مواردی با تعیین مجازات جرم دوم میزان آن تشدید می‌شود. (آزمایش دکتر سید علی، تقریرات حقوق جزای اختصاصی، پلی‌کیپی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، ص ۵۸). به نظر ما این عقیده اگر چه ممکن است با منطق حقوقی سازگار باشد، ولی پذیرش آن با توجه به نامعین بودن سقف تشدید مجازات در نظام کیفری کنونی ایران با اشکال مواجه خواهد شد.

۳- ممکن است این ایراد وارد شود که در چنین مواردی مرتکب، تنها قصد ارتکاب یک جرم را دارد. برای نمونه، سارق‌ی که در ورودی خانه را می‌شکند تنها به قصد سرقت وارد خانه می‌شود. بدین ترتیب، قصد واحد منشأ جرایم متعدد قرار نمی‌گیرد. ولی، در پاسخ باید گفت از آنجا که هر جرمی به سه عنصر (قانونی، مادی و روانی) نیاز دارد، در فرض مورد بحث با ارتکاب رفتار مقدماتی ممنوعه‌ای چون «شکستن در» عناصر سازنده جرم مستقلی به نام «تخریب» شکل می‌گیرد و بنابراین در چنین مواردی تصور قصد واحد در مرتکب منتفی است.

رو به شماره ۶۳۸ پی‌برد. چنان که دیدیم هیئت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی «قتل غیر عمدی ناشی از رانندگی بدون پروانه» را از مصداق‌های تعدد معنوی (اعتباری) انگاشته است،^(۱) حال آن که در چنین موردی عناصر سازنده بزه رانندگی بدون پروانه پیش از ارتکاب قتل غیر عمدی محقق می‌شود. بنابراین، اگرچه قانونگذار «رانندگی بدون پروانه» را وصفی برای تشدید مجازات^(۲) جرم دوم (قتل غیر عمدی) قرار داده است، ولی با توجه به استقلال عناصر سه‌گانه جرم نخست و تقدم ارتکاب آن بر قتل غیر عمدی چنین موردی را باید از نمونه‌های روشن تعدد واقعی (موضوع صمت سوم ماده ۴۷) انگاشت.

باری، تعدد اعتباری استثنایی است بر قواعد عمومی تعدد جرم و آن را باید به همان میزان که در قانون تصریح شده است محدود ساخت. ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ضمن پذیرش تعدد عنوانی، به مانند قوانین پیش از انقلاب، راه حل اجرای مجازات شدیدتر را در تعیین مجازات عنوان‌های متعدد جرم انتخاب کرده است.

۲- تعدد اعتباری در پرتو تداخل قواعد تعدد جرم

چنان که گفته شد ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، تنها به «جرایم قابل تعزیر» دلالت دارد و برای یافتن حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات مطابق تبصره ماده ۴۷ همان قانون باید به باب‌های ویژه آنها مراجعه کرد. با وجود این، در مقرراتی دیگر از این قانون مواردی به چشم می‌خورد که در آنها از قواعد تعدد جرم عدول شده است. برای نمونه، در بند ب ماده ۶۳۹ رفتار کسی که مردم را به فساد و فحشا تشویق یا موجبات آن را فراهم می‌کند مستوجب حبس از یک تا ده سال شناخته شده است و بی‌درنگ در تبصره این ماده آمده است هرگاه بر این عمل عنوان قوادی صدق کند علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌شود.^(۳)

۱- هیئت عمومی حتی «قتل غیر عمدی ناشی از رانندگی به هنگام مستی» را از استدلال خود خارج ندانسته است، در حالی که به صراحت تبصره ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی حکم تعدد در حدود و قصاص و دیات از جرایم تعزیری جداست و از این گذشته در صورت اجتماع حدود و... با تعزیرات قاعده جمع مجازات‌ها جریان می‌یابد.

۲- یکی دیگر از ایرادهای رای وحدت رویه شماره ۶۳۸، کاربرد نادرست عبارت «موجبات مشدده جرم» توسط دیوان است، در حالی که می‌دانیم این کیفیات میزان مجازات را تشدید می‌کند و اساساً تشدید جرم قابل تصور نیست.

۳- به موجب ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی: «قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا

همچنین مطابق تبصره ماده ۶۵۰ مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر شده است. برای نمونه، بر اساس مفاد ماده ۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در صورت اختلاف میان شهود در زمان و مکان... زنا، گواهان به حد قذف^(۱) محکوم می‌شوند. به بیان دیگر، بر مبنای مقررات فقهی چنین شهادت‌هایی «شهادت دروغ» و در حکم «قذف» محسوب می‌شود. بدین ترتیب اگر رفتار واحدی دارای عنوان‌های مجرمانه تعزیری و غیر تعزیری باشد (تعدد عنوانی یا اعتباری)، قاعده جمع مجازات‌ها به اجرا در می‌آید (تعدد مادی یا واقعی).^(۲)

۳- تمایز تعداد اعتباری از تعدد نتایج

گاهی از یک رفتار، نتایج متعددی حاصل می‌شود، به طوری که هر یک از نتایج، عنوان مجرمانه جداگانه‌ای را به دوش می‌کشد و شبهه تعدد اعتباری جرایم را به ذهن القا می‌کند.

قدر مسلم، نتایج متعدد ناشی از یک رفتار غیر از رفتار واحدی است که عنوان‌های متعددی مجرمانه را در خود جمع می‌کند. با وجود این، برخی حقوقدانان تعدد نتایج

لواط».

۱- مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگر که حد آن برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است.

۲- برخی ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (اغوا یا تحریک به قتل و غارت) را معارض با ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دانسته و معتقداند چنانچه اغوا یا تحریک، به قتل منتهی شود، با محکومیت مضاعف مرتکب به جرم معاونت در قتل (ماده ۲۰۷ همان قانون) قاعده مندرج در ماده ۴۶ نقص می‌شود (طاهری نسب، سیدیزداله، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، انتشارات دانشور، چاپ اول ۱۳۸۱، ص ۲۰۹). به نظر ما، ماده ۵۱۲ تعارضی با مفاد ماده ۴۶ ندارد زیرا معاونت در قتل و غارت که در این ماده جرم مستقلی شناخته شده جرمی است مطلق که حصول نتیجه (برای نمونه، قتل در بحث ما) در وقوع آن تأثیری ندارد و قانونگذار اصولاً در چنین مواردی، محکومیت مضاعف مرتکب را دنبال نمی‌کند. به بیان دیگر، هنگامی که جرم مطلق به نتیجه مشخصی بیانجامد، اثری بر موقعیت کنونی بزهکار نمی‌بخشد (برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: اردبیلی (دکتر محمدعلی)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، ص ۲۲۹).

مجرمانه را به دلیل شباهتی که با تعدد عنوانی دارد گونه ای از تعدد اعتباری انگاشته اند.^(۱) اگر چنین باشد پس راه حل تعیین مجازات تعدد نتایج را باید در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی یعنی در پرتو قاعده مجازات اشد جست و جو کرد. در حالی که این ماده، تنها حکم تعدد عنوانی جرایم رایبان کرده است. وانگهی، بانگاهی به نمونه های تعدد نتایج می توان موارد غالبی از اجرای قاعده جمع مجازات هارا نیز ملاحظه کرد. به طور کلی در تعدد نتایج دو حالت قابل تصور است:

۱- ۳- نتایج دارای چند وصف مجرمانه

چنانچه رفتار واحدی به نتایج دارای چند وصف مجرمانه منجر شود:

- در صورت تعدد بزه دیدگان، مانند این که با پرتاب نارنجکی به میان یک جمعیت، عده ای کشته و زخمی شوند و اموالی آسیب ببینند: مرتکب به قصاص، دیه^(۲) و حبس محکوم می شود و چنانچه قصد بر هم زدن امنیت کشور یا براندازی حکومت نیز احراز شود، مجازات محاربه به آنها افزوده خواهد شد^(۳) (قاعده جمع مجازاتها)

- در صورت وحدت بزه دیده، با استفاده از وحدت ملاک ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی^(۴) شدیدترین مجازات مورد حکم قرار خواهد گرفت (قاعده مجازات اشد) و با تحقق محاربه، اجرای قصاص نفس (از باب حق الناس) بر اعدام در محاربه (از

۱- پیمانی (دکتر ضیاءالدین)، همان، ص ۱۷

۲- اجرای مجازات قصاص و دیه منوط به مطالبه صاحبان حق است.

۳- در این حالت اگر دو یا چند مجازات حبس در میان باشد به شرح زیر باید قائل به تفکیک شد:

- در صورت غیر عمدی بودن جرم ها- مانند راننده ای که چند نفر را به قتل می رساند (ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) و مصدوم می کند (مواد ۷۱۵ تا ۷۱۷ همان قانون)- چون فلسفه اعمال مجازات حبس اصولاً از بابت جنبه عمومی جرم (حق جامعه) است، تعیین یک مجازات حبس کافی به نظر می رسد که در اینجا به دلیل سنگینی جرم قتل، در قبال ماده ۷۱۴ مورد حکم قرار خواهد گرفت و در صورت لزوم می توان آن را تا حداکثر مجازات قانونی تشدید کرد.

- در صورت عمدی بودن جرم ها - مانند کسی که با مواد انفجاری اسناد دولتی اداره ای را می سوزاند (ماده ۶۸۱) و اموالی را تخریب می کند (ماده ۶۷۸) - به دلیل سرزنش پذیری بیشتر مرتکب، قاعده جمع مجازات ها اعمال می شود.

۴- مطابق این ماده: «هرگاه ایراد جرح، هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه بایک ضربت باشد قصاص

باب حق الله) مقدم خواهد بود.^(۱)

۲-۳- نتایج دارای یک وصف مجرمانه

در این حالت نیز می‌توان راننده مقصری را تصور کرد که چند نفر را به قتل می‌رساند یا شوهری را در نظر گرفت که از پرداخت نفقه خانواده خود امتناع می‌کند: - در نمونه قتل‌های غیر عمدی ناشی از تخلف رانندگی راننده مرتکب از باب جنبه خصوصی به دلیل تعدد بزه دیدگان (صاحبان حق) به پرداخت چند فقره دیه (در صورت مطالبه) و از باب جنبه عمومی به مجازات حبس (موضوع ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی) محکوم می‌شود و همه آنها نسبت به او اجرا خواهد شد^(۲) - در نمونه ترک اتفاق نیز حالت‌های زیر را می‌توان در نظر گرفت:

○ چنانچه شوهر دارای زن و فرزندی یا فرزندان باشد که زندگی مشترک دارند، از آنجا که نفقه آنها معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخت می‌شود ترک اتفاق از ناحیه شوهر در چنین حالتی یک ترک فعل و از قلمرو مقررات تعدد جرم (واقعی و اعتباری) خارج است^(۳). با وجود این، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در

۱- بر اساس نظر مشهور فقیهان امامیه اجرای مجازات حق الناس بر حق الله مقدم است. همچنین برای دیدن رویکرد روبه قضایی بنگرید به: بازگیر (یدالله)، قانون مجازات اسلامی در آیین آرای دیوان عالی کشور- ۱، قتل عمد، انتشارات ققنوس ۱۳۷۶ صص ۵۷ تا ۵۹

۲- در این فرض چنانچه تخلف رانندگی، خود جرم مستقلی (مانند رانندگی بدون پروانه) باشد یا شمول ماده ۷۱۸ (موضوع قسمت سوم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی) مصداقی دیگر از تعدد واقعی جرایم تحقق خواهد یافت (بنگرید به مطالب بند ۳ الف از مبحث نخست).

۳- به طور کلی دادگاه‌های ما نیز زمانی که شاکی ترک اتفاق زوجه باشد، شکایت او را شکایت فرزند یا فرزندان صغیر او نیز محسوب می‌کنند و اساساً در چنین مواردی با احراز جرم واحد، بحث شکایت جداگانه فرزند یا فرزندان صغیر به میان کشیده نمی‌شود، زیرا همان طور که صاحب نظران نیز خاطرنشان ساخته‌اند تعقیب کیفری در حق فرزند یا فرزندان، تنها پس از تعیین قیم اتفاقی و شکایت او جریان می‌افتد (برای دیدن نظر موافقان و مخالفان به ترتیب بنگرید به: یاد ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، در جرایم نسبت به اموال و مالکیت و عفت و حقوق و تکالیف خانوادگی...، تقریرات سال چهارم قضایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۵۴-۱۳۵۳، صص ۷۳-نظریه مشورتی اداره حقوقی (پیش از ۱۳۵۷) در: کشاورز بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، کتابخانه گنج

رای وحدت رویه شماره ۳۴ به تاریخ ۱۳۶۰/۸/۳۰^(۱) چنین موردی را بدون توجه به امکان ناپذیری تعیین مجازات اشد، از مصادیق تعدد اعتباری انگاشته است.

ولی، چنان که دیدیم اجرای قاعده مجازات اشد، مستلزم وجود دست کم - دو متن قانونی (کیفری) است، در حالی که در نمونه مورد بحث، تنها یک متن قانونی (ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی) وجود دارد. بنابراین، تعیین مجازات شدیدتر در چنین فرضی موضوعاً "متنفا" است.

○ چنانچه شوهر دارای همسران متعدد باشد که زندگی مشترک ندارند از آنجا که نفقه آنها جداگانه پرداخت می شود ترک انفاق در چنین حالتی از مصادیق تعدد واقعی جرایم از نوع مشابه (موضوع قسمت دوم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی) خواهد بود. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۶۴۶۲ به تاریخ ۱۳۷۱/۹/۱۸ در این زمینه چنین اظهار نظر کرده است: «چنانچه زوج دارای همسران متعدد بوده و هر یک از همسران از زوج به عنوان ترک انفاق شکایت نماید دعوای هر یک از زوجه ها شکایت جداگانه تلقی می گردد و مرجع رسیدگی کننده باید با توجه به مواد ۴۶ و ۴۷^(۲) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید، با توضیح اینکه به نوع جرم که مشابه هستند باید توجه گردد»^(۳).

بدین ترتیب می توان گفت نتایج متعدد ناشی از رفتار واحد (تعدد نتایج) با عنوان های شامل بر رفتار واحد (تعدد اعتباری) تفاوت آشکاری دارد. وانگهی، اگرچه در قلمرو تعدد نتایج، برتری قاعده جمع مجازات ها (در مقام تعدد واقعی) بر اجرای قاعده مجازات اشد (در مقام تعدد اعتباری) کاملاً مشهود است، ولی چنان که دیدیم

دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۷۸، شماره ۴.

۱- متن رأی یاد شده به این شرح است: «نظر به این که نفقه زن و اولاد واجب‌النفقه که زندگی مشترک دارند معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخت می شود، ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر در چنین حالت، ترک فعل واحد محسوب و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی سابق (ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی) است و آثار و نتایج متعدد فعل واحد، موجب اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود...» قربانی (فرج الله)، مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، ص ۳۱۳.

۲- با توجه به اظهار نظر اداره حقوقی، ذکر ماده ۴۶ زاید به نظر می رسد.

۳- شهری (غلامرضا)، ستوده جهرمی (سروش)، نظریات اداره حقوقی...، ص ۷۱۵.

اجرای هر یک از این دو قاعده را بر حسب مورد باید بررسی کرد.

مبحث دوم - نگاهی به دشواری‌های مقررات تعدد جرم

مقرراتی که در قانون مجازات اسلامی برای تعدد جرم پیش‌بینی شده است با وجود امتیازهایی که دارد از ایراد میرا نیست. اگرچه ارتکاب جرایم متعدده، تشدید مجازات مرتکب را می‌طلبد، ولی نباید از آن به عنوان حربه‌ای برای نقض حقوق مرتکب استفاده کرد. وانگهی، کاستی‌هایی که در این مقررات وجود دارد راه را برای اعمال سلیقه‌های گوناگون در تعیین و اجرای مجازات جرایم متعدد می‌گشاید. بدین ترتیب در این مبحث تلاش خواهیم کرد تا ضمن نمایاندن برخی از این دشواری‌ها و کاستی‌ها، راهکارهایی برای آنها بیابیم.

الف) دشواری در اجرای قاعده جمع مجازات‌ها

با ارتکاب دو یا چند جرم مختلف به صراحت قسمت نخست ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی باید برای هر یک از آنها مجازات جداگانه تعیین شود. وقتی مجازات‌های متعدد از یک نوع باشند، به ظاهر مسأله‌ای پیش نمی‌آید؛ خائن در امانتی که یک فقره کلاهبرداری انجام داده است مطابق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ به ترتیب به حبس از شش ماه تا سه سال و یک تا هفت سال محکوم می‌شود و مجموع مجازات‌های معین شده در حکم در موردش به اجرا گذاشته خواهد شد. دشواری در جایی بروز می‌کند که مجازات‌های چندگانه از یک نوع نباشند. برای نمونه، قاتلی که یک فقره سرقت مقرون به آزار (موضوع ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی) مرتکب شده است به ترتیب باید به قصاص نفس، حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود. حال می‌توان پرسید که مجازات‌های سه‌گانه در مثال بالا چگونه در باره چنین مرتکبی به اجرا در می‌آید؟

تردیدی نیست که مبنای مجازات جرایم متعدد در هر دو حالت، «قاعده جمع مجازات‌ها» است که در فقه امامیه با عنوان «قاعده عدم تداخل» شناخته می‌شود. در نظر فقیهان امامیه اجرای مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشد که امکان اجرای همه آنها فراهم شود.^(۱) برای نمونه، اگر کسی به «سرقت مستوجب قطع دست»، «زنای مستوجب

تازیانه» و «محاربه مستلزم قتل» محکوم می‌شود، نخست: مجازات تازیانه، سپس: حد قطع و در پایان: مجازات اعدام در موردش به اجرا در می‌آید. همچنین، اجرای حق الناس (قصاص نفس) بر حق الله (اعدام محاربه) برتری دارد. برخلاف نظر فقیهان امامیه، در فقه عامه بر مبنای «قاعده جب» و «تداخل حدود» برخی مجازات‌ها مانع اجرای دیگر کیفرها می‌شود.^(۱) بدین ترتیب در مثال پیشین، مجازات اعدام اجرای سایر کیفرها را ممتنع می‌سازد.

بی‌گمان، قانونگذار ایران از نظر مشهور فقیهان امامیه پیروی کرده است. به همین خاطر در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: «...اگر مجازات‌ها (ی زنا) از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد (تازیانه) بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زانی، حد جلد بر او جاری می‌شود». همچنین به موجب تبصره ۲ ماده ۶۱۵ همان قانون مجازات‌های حبس جرم منازعه مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.

با وجود روشنی قاعده جمع مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی، سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در این زمینه همسو نیست. به این توضیح که چنانچه مجازات‌های جرایم متعدد شامل «اعدام، قطع دست و تازیانه» باشد، پرونده پس از قطعیت حکم اجرا می‌شود. ولی، اگر در میان مجازات‌ها «حبس» وجود داشته باشد اجرای آن منتفی می‌گردد. برای نمونه، در پرونده موسوم به «کرکس‌های سیاه» دادگاه در برابر اتهام‌های پنج تن از شش متهم^(۲) پرونده به شرح زیر رأی صادر کرد:

- اعدام با چوبه دار از حیث زنای به عنف؛

- ۸۰ ضربه شلاق از حیث شرب خمر؛

- ۱۵ سال حبس از حیث شرکت در آدم‌ربایی؛

- ده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق از حیث سرقت اموال^(۳) مقرون به آزار.^(۴)

در مرحله اجرای حکم، ابتدا مجازات شلاق و سپس اعدام به اجرا در آمد و از

۱- عوده (عبدالقادر)، النشریح الجنایی الاسلامی، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، الرسالة، ۱۹۹۳، ص ۴۴۳.

۲- اتهام ردیف ششم، «آدم‌ربایی» و «سرقت مقرون به آزار» بود.

۳- قید «اموال» در عبارت مورد حکم دادگاه زاید به نظر می‌رسد زیرا لفظ «سرقت» به تنهایی آن را افاده می‌کند.

۴- برگرفته از دادنامه شماره ۲۷۷۵ به تاریخ ۱۴/۱۲/۸۰ شعبه ۱۶۱۰ دادگاه عمومی تهران - فرودگاه.

اعمال مجازات حبس صرف نظر شد. نکته قابل توجهی که در رأی یاد شده وجود داشت استناد دادگاه به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی بود که به عنوان مبنای جرایم متعدد در نظر گرفته شد، زیرا چنان که دیدیم مفاد مواد ۴۶ و ۴۷ این قانون تنها به «جرایم قابل تعریض» ناظر است. ولی، آن طور که پیداست قواعد مندرج در آن - از جمله، قاعده جمع مجازات ها - به جرایم غیر تعزیری نیز تسری می یابد.

ناهمخوانی سیاست جنایی تقنینی و قضایی در اجرای قاعده جمع مجازات ها از بی توجهی به فلسفه مجازات ها، مصلحت های اجتماعی و ملاحظه های عملی سرچشمه می گیرد. از دیدگاه سنتی، عدالت ایجاب می کند تا مرتکب جرایم متعدد به هر یک از مجازات های جرایم ارتكابی خود محکوم شود. ولی، آیا اجرای همه این مجازات ها درباره چنین شخصی امکان پذیر است؟ برای نمونه، سارق سابقه داری را که برای مرتبه سوم مرتکب سرقت مستوجب حد شده و یک فقره تجاوز به عنف انجام داده است چگونه می توان به حبس ابد و اعدام محکوم ساخت و هر دو مجازات را درباره او اجرا کرد؟^(۱)

باری، تعدد جرایم همواره مستلزم تعدد مجازات نیست، به ویژه زمانی که هر یک از مجازات ها رسالت متفاوتی را دنبال می کنند: رسالت مجازات اعدام عبرت آموزی دیگران به وسیله حذف مجرم از جامعه است. مجازات های بدنی دیگر همچون قطع دست و پا یا شلاق نیز ناتوان سازی و رسواکنندگی مجرمان را دنبال می کنند و سرانجام رسالت مجازات حبس اصلاح و بازپروری بزهکار است. حال چگونه می توان با اجرای مجازات های متعدد میان رسالت های گوناگون آنها سازش برقرار کرد؟^(۲)

اگر رویکرد رویه قضایی در تقدم اجرای مجازات مرگ بر کیفر سالب آزادی هم

۱- مطابق بند ج ماده ۲۰۱ و بند د ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی، کیفر سرقت مستوجب حد و تجاوز به عنف به ترتیب حبس ابد و قتل (اعدام) است.

۲- گفتنی است جمهور فقهایان (حنفیان، مالکیان و حنبلیان) در تداخل حدودی چون شرب خمر و محاربه به تنها، مجازات اعدام را قابل اجرا می دانند زیرا معتقداند هدف از مجازات در چنین مواردی «زجر» است و چنین هدفی با اعدام تحقق می یابد «الزحلی (الدکتور وهبه)، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۶، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۷۶».

بر همین توجیه استوار باشد، معلوم نیست چرا در مورد اجرای تازیان به گونه دیگری عمل می‌شود؟^(۱)

اگر رسالت‌های مجازات حبس و اعدام چنان متفاوت اند که جمعشان را - حتی در مورد حبس‌های کوتاه مدت - نامعقول و بی‌فایده می‌سازد، جمع کیفر تازیان و اعدام نیز چهره‌ای انتقام‌جو از فرشته عدالت به تصویر می‌کشد که بیش از هر چیز بر سرکوبگری تاکید می‌کند، سرکوب بزهکارانی که از جامعه‌ای برخاسته‌اند که اکنون آنان را از خود می‌رانند؟!

ب) دشواری تشدید مجازات جرایم متعدد

یکی دیگر از دشواری‌های مقررات تعدد جرم که حقوق و آزادی‌های فردی مرتکبان جرایم متعدد را تهدید می‌کند چگونگی تشدید مجازات جرایم مشابه است. به حکم قسمت دوم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی اگر جرایم ارتكابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌شود که در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علت‌های تشدید کیفر باشد.

واگذاری اختیار تشدید مجازات به قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده با وجود آن که از جلوه‌های سیاست فردی کردن مجازات‌هاست، انتقاد‌هایی را نیز برانگیخته است. کانون این انتقادها تزلزل پایه‌های اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. زیرا، جنبه دوم این اصل ایجاب می‌کند تا میزان دقیق مجازات‌ها در قانون مشخص شده باشد. اگر چه در میان همین منتقدان این عقیده نیز به چشم می‌خورد که تشدید مجازات مستلزم گذشتن از بالاترین سطح مجازات قانونی است^(۲) ولی می‌توان پرسید این افزایش تا کجا جایز است؟ آیا قاضی با اختیاری که در تعزیرات دارد

می‌تواند مجازات زندان را تا سطح حبس ابد افزایش دهد؟

چنین پرسش‌های مهمی برخی از مراجع قضایی را به چاره‌اندیشی واداشته است. از جمله اداره حقوقی قوه قضاییه استنداً در نظریه شماره ۷/۵۱۸۱/تساریخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۴ تشدید مجازات جرایم مشابه را به میزان افزون بر حداکثر قانونی جایز

۱- شاید دلیل این تفاوت آن باشد که در منابع فقهی مربوط، به اجرای مجازات تازیان تصریح شده است ولی، در مورد

کیفر حبس صراحتی وجود ندارد.

۲- اردبیلی (دکتر محمدعلی) همان، جلد دوم، ص ۲۲۸.

ندانست^(۱) ولی سپس در نظریه شماره ۷/۱۱۰۲۶/۱۱۰۲۳/۱۰/۱۳۷۱ چنین اظهار داشت: «منظور از تشدید مذکور در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی این است که دادگاه مجازاتی بیشتر از حداکثر مجازات قانونی عمل ارتكابی برای متهم تعیین نماید».^(۲) با ادامه اختلاف نظرها، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸ به تاریخ ۱۳۷۵/۶/۲۷ صدور چک های بدون محل، وعده دار و تضمینی را از جرایم مشابه شمرد^(۳) و «تعیین مجازات برای متهم (را) به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون اینکه نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجاهت قانونی» دانست^(۴). با وجود انتقادهایی که به این رأی وارد شده است^(۵) برخی حقوقدانان آن را فصل ختام اختلاف نظرهای پیشین انگاشته اند.^(۶) به نظر ما نیز تجاوز از حداکثر مجازات قانونی در مقام تشدید، نه تنها به موجب این رأی بلکه با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به صراحت منع شده است زیرا قسمت پایانی مواد ۶۵۲ و ۷۰۴ این قانون در مقام تشدید، تنها تا حداکثر مجازات مقرر در قانون حکم داده اند.^(۷) همچنین، تشدید مجازات جرایم و تخلف های مندرج در مواد ۷۱۸ و ۷۱۹ همان قانون

۱- شهری (غلامرضا) ستوده جهرمی (سروش) نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه ...، جلد اول، ص ۲۰۱.

۲- همان، ص ۷۰۱

۳-گفتنی ست قانون اصلاح موادی از قانون چک (مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ - مجلس شورای اسلامی)، عنوان مجرمانه را از چک های یاد شده زدوده است (بنگرید به روزنامه رسمی، شماره ۱۷۰۶۷ - ص ۲- ماده ۱۳)، پیش از این، نگارنده نیز با تأکید بر پرهیز از جرم زدایی کامل از همه گونه های چک پرداخت نشدنی، جرم زدایی در محدوده ماده ۱۳ را پیشنهاد کرده بود (بنگرید به: رایجیان اصلی (مهرداد)، تبیین استراتژی عقب نشینی با تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

۴- قربانی (فرج الله) مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، جزئی، ص ۷۰۹

۵- اردبیلی، همان، ص ۲۲۸ ۶- نوربها، همان، ص ۴۴۸

۷- به موجب ماده ۶۵۲ اگر در جرم سرقت مقرون به آزار یا مسلحانه جرمی نیز واقع شود علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده حکم داده خواهد شد. همچنین مطابق ماده ۷۰۴ هر کس هر دو جرم مندرج در صدر این ماده را مرتکب شود مجازاتش تنها تا حداکثر مقرر در این ماده تشدید می شود.

تنها تا حداکثر مجازات قانونی آنها جایز شمرده شده است^(۱). با این همه به نظر می‌رسد مقررات یاد شده بر خلاف فلسفه تشدید مجازات هاست، زیرا چنان که گفتیم تشدید مجازات مستلزم افزایش حداکثر مقرر در قانون است که البته سقف آن به تصریح قانونگذار نیاز دارد. بدین ترتیب با ممنوع ساختن گذشتن از حداکثر قانونی در مقام تشدید، مفاد قسمت دوم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تا اندازه‌ای از اعتبار می‌افتد و بنابر این بر قانونگذار است تا با روشن کردن حدود این تشدید گره آن را بگشاید.

پ) دشواری تعیین مجازات اشد

تشخیص مجازات شدید تر در قلمرو تعدد اعتباری، بر دشواری‌های مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی افزوده است. ماده ۴۶ این قانون در این زمینه از مقررات قانون مجازات عمومی سابق الگو برداری کرده است. مطابق مفاد این ماده در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده می‌شود که شدیدتر است. با وجود این، ماده یاد شده هیچ ضابطه‌ای برای تشخیص مجازات اشد به دست نمی‌دهد، در حالی که تشخیص این مجازات در مقررات پیش از انقلاب با توجه به اعتبار طبقه بندی جرایم روشن بود. به طور کلی، در نظام‌هایی که طبقه بندی جرایم را بر مبنای شدت و ضعف مجازات‌ها معتبر می‌شمارند، مجازات‌های جنایی از جنحه‌ای و جنحه‌ای از خلافی سنگین تراند.

ولی، آیا مجازات‌های پنج گانه مندرج در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را می‌توان بر اساس شدت و ضعف آنها دسته بندی کرد؟ آیا جرایم مستوجب حد اصولاً از جرایم تعزیری شدیدتراند؟ اگر چنین است آیا می‌توان مجازات تازیانه مندرج در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تا ۹۹ ضربه شلاق) را سبک تر از حد قوادی (۷۵ تازیانه - ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) انگاشت؟ آیا مجازات اعدام در

۱- به موجب مواد ۷۱۸ و ۷۱۹ در صورت وقوع جرایم یاد شده، مرتکب «به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر در قانون» محکوم خواهد شد. برای نمونه، مجازات قتل غیر عمدی ناشی از راندگی (موضوع ماده ۷۱۴) با در نظر گرفتن ماده ۷۱۸ دو سال و یک روز تا سه سال حبس خواهد بود (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم راندگی، کانون، ماهنامه کانون سردفتران و دفتر یاران شماره ۲۲، دی و بهمن ۱۳۷۹

جرایم مستوجب حد از اعدام‌های تعزیری (برای نمونه در قلمرو مواد مخدر)^(۱) شدیدتر است؟

پاسخ به چنین پرسش‌هایی - فراتر از قلمرو تعدد جرم - به یکی از بزرگترین دشواری‌های نظام عدالت کیفری کنونی ما تبدیل شده و یافتن ضابطه‌ای مشخص از شدت و ضعف مجازات‌ها را در محاق ابهام قرار داده است. با این همه، نگارنده با در نظر گرفتن طبقه بندی موضوعی مجازات‌ها^(۲) معتقد است که مجازات‌های بدنی از غیر بدنی و مجازات‌های سالب آزادی از کیفرهای مالی و سالب حقوق شدیدتراند، زیرا: نخست، اصل تناسب میان جرم و مجازات ایجاب می‌کند تا در طبقه بندی (Range) جرایم، مجازات‌های بدنی تنها به شدیدترین و خطرناک‌ترین جرم‌ها اختصاص یابد و سایر مجازات‌ها بر اساس این شدت و ضعف طبقه بندی شوند.^(۳)

۱- گفتنی است در نخستین همایش بین‌المللی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر (اردیبهشت ۱۳۷۹ - تهران) و نیز نخستین کارگاه آموزشی قضات دادگاه انقلاب در زمینه احکام صادره مواد مخدر (اسفند ۱۳۷۹ - تهران) شرکت‌کنندگان همایش به این توافق دست یافتند که مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر از باب تعزیر است. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اکبری، حسین، مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، ناشر، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷ و بعد)

۲- بر اساس این طبقه بندی مجازات‌ها را به «مجازات‌های بدنی»، «سالب و محدود کننده آزادی»، «مجازات‌های مالی» و «سالب حقوق» تقسیم می‌کنند. «اعدام» سنگسار، قطع عضو و تازیانه «از بارزترین گونه‌های مجازات‌های بدنی شناخته می‌شوند». «مجازات زندان»، «ممنوعیت از اقامت در نقطه معین یا اجبار آن» و «تبعید» نیز معروف‌ترین گونه‌های مجازات‌های سالب و محدود کننده آزادی به شمار می‌روند. «جریمه نقدی» و «ضبط و مصادره اموال» هم متداول‌ترین مجازات‌های مالی محسوب می‌شوند. و سرانجام، گونه‌های متنوع «محرومیت از حقوق اجتماعی» در شمار مجازات‌های سالب حقوق قرار می‌گیرند.

۳- البته در این میان، اثر ناشی از اصل فردی کردن مجازات‌ها را نیز نباید نادیده انگاشت. چه، برای نمونه ممکن است اجرای مجازاتی چون جریمه نقدی و رنج و سختی بیش‌تری از شلاق برای یک بزه‌کار به همراه داشته باشد. بدین ترتیب، در چنین مواردی دادرسی می‌تواند با داشتن اختیار قانونی به فردی کردن مجازات مبادرت کند. این دیدگاه به معنای تأثیر اصل فردی کردن مجازات‌ها بر اصل سنتی تناسب جرم و مجازات است که بحث دربارہ آن مجال دیگری می‌طلبید.

دوم، گرایش جنبش جهانی دفاع اجتماعی نوین^(۱) در جهت حذف یا تحدید مجازات‌های بدنی و ترذیلی، از شدیدتر بودن این مجازات‌ها بر کیفرهای غیربدنی حکایت می‌کند.^(۲)

سوم، گرایش سیاست جنایی تقنینی و قضایی جمهوری اسلامی ایران نیز در همین مسیر جهت یافته است. به طوری که اداره حقوقی قوه قضاییه ابتدا در نظریه شماره ۷/۳۲۷ به تاریخ ۱۳۶۳/۱/۱۸^(۳) و سپس در نظریه شماره ۷/۱۹۴۲ به تاریخ ۱۳۷۲/۳/۱۶^(۴) مجازات‌های بدنی مانند اعدام و شلاق را شدیدتر از حبس و جزای نقدی انگاشته است.^(۵) در سطح سیاست جنایی تقنینی هم، با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نسبت به قانون تعزیرات ۱۳۶۲ می‌توان دریافت که دامنه مجازات‌های بدنی - بویژه، شلاق - در جهت گسترش مجازات‌های سایر آزادی و مالی محدود شده است. این بازنگری نشان می‌دهد که در تلقی قانونگذار، مجازات‌های بدنی از سایر مجازات‌ها شدیدتر اند.^(۶)

۱- جنبش انسان‌گرای دفاع اجتماعی نوین با وجود اعتقاد به ضرورت حفظ حقوق کیفری، بکارگیری مجازات‌ها و اقدام‌هایی را که به فرایند باز پروری و اصلاح بزه‌کاران لطمه می‌زند، نمی‌پذیرد. به عقیده طرفداران این جنبش، با توجه به شخصیت مجرم می‌توان از اعمال مجازات صرف، به اجرای تدابیر اصلاحی - تربیتی رسید.

۲- مهمترین با رقه‌های این طرز تفکر، در مقرراتی چون: «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (مصوب ۱۹۴۸-ماده ۵)، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (مصوب ۱۹۶۶-ماده ۷)، «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارهای رنج آور، خشن، غیرانسانی یا موهن» (مصوب ۱۹۸۴)، «کنوانسیون حقوق کودک» (مصوب ۱۹۸۹-ماده ۳۷)، پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» (مصوب ۱۹۸۳-ماده ۱)... منعکس شده است.

۳- شهری (غلامرضا) ستوده جهرمی (سروش)، نظریات مشورتی اداره حقوقی...، جلد اول، ص ۲۳۰.

۴- شهری (غلامرضا)، ستوده جهرمی (سروش)، نظریات مشورتی اداره حقوقی...، جلد دوم، ص ۲۶۳.

۵- همچنین برای دیدن چند نمونه از آرای دادگاه‌ها بنگرید به: کلاتری (کیومرث)، تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۸۱، صص ۶۶ و ۶۷.

۶- گفتنی‌ست در پیش نویسی قانونی جرم سیاسی نیز صدور حکم محکومیت مجرمان سیاسی به مجازات‌های بدنی جایز شمرده نشده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: منتظری (محمدجعفر)، جرم سیاسی، روند تهیه لایحه قانونی و

چهارم، در سطح سیاست جنایی اجرایی، رویکرد اخیر دست اندر کاران عدالت کیفری ایران در لزوم اجرای علنی حدود الهی (مانند اعدام، سنگسار و شلاق) - صرف نظر از امتیازها و کاستی‌های آن - حکایت از این دارد که در نگرش ایشان بکارگیری چنین تدابیری به دلیل شدت عمل بیشتر، کارآمدتراند.

پنجم، در مورد شدت و ضعف مجازات‌های سالب آزادی بر کیفرهای مالی و سالب حقوق، چنانچه میزان صدمه یا زیان وارد به محکوم ملاک نظر قرار گیرد، مجازات‌های سالب یا محدودکننده آزادی را - که همچون مجازات‌های بدنی متوجه تمامیت جسمانی محکوم است - باید شدیدتر قلمداد کرد. به نظر ما نیز معیار شدت این مجازات‌ها ارزش اساسی «آزادی» است که خود، مبنای پیدایش اصل قانونمندی جرایم و مجازات‌ها به شمار می‌رود.^(۱) آزادی، پس از ارزش «حیات» و در کنار آن، جزو نخستین سرمایه‌های انسان است و به روشنی از سایر سرمایه‌های انسانی - از جمله، اموال و دارایی‌های او - متمایز می‌شود.

ششم، سرانجام درباره مجازات‌های سالب حقوق از آنجا که در طبقه‌بندی مجازات‌ها در نسبت به یکدیگر^(۲) بیشتر به عنوان مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی) یا تبعی مورد حکم قرار می‌گیرند، اصولاً باید آنها را سبک‌تر از مجازات‌های اصلی (بدنی، سالب آزادی و مالی) انگاشت. وانگهی، بسیاری از مجازات‌های سالب حقوق به جهت برخورداری از ویژگی پیش‌گیرندگی، در ردیف «اقدام‌های تأمینی» قرار می‌گیرند که اصولاً سبک‌تر از مجازات‌ها محسوب می‌شوند. به همین خاطر در بند ۳ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی شود، فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت».

طرح مصوب، ناشر: مؤلف، تیرماه ۱۳۸۰.

۱- دلماس مارتی (میری)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، جلد نخست، برگردان: علی حسین نجفی ایرندآبادی، انتشارات میزان، ۱۳۸۱، ص ۶۳.

۲- یکی دیگر از طبقه‌بندی‌های مجازات‌ها، بر اساس نسبت آنها با یکدیگر است که مطابق آن، مجازات‌ها به «اصلی»، «تکمیلی» و «تبعی» تقسیم می‌شوند.

نتیجه‌گیری

قانون مجازات اسلامی با تلفیقی از دیدگاه‌های فقهی و عرفی جایگاه ویژه‌ای را به مقررات تعدد جرم اختصاص داده است. در این قانون تلاش شده است تا با پیش‌بینی شیوه‌هایی چون جمع مجازات‌ها و اجرای مجازات شدیدتر، به رسالت اصلی سیاست جنایی تقنینی در این باب - یعنی بازدارندگی جرایم از طریق تشدید مجازات - جامه عمل پوشانده شود. ولی، پرواضح است که دست‌یابی به چنین هدفی به دلیل برخی محدودیت‌ها به آسانی امکان‌پذیر نیست، زیرا قانونگذار در مواردی چگونگی تشدید جرایم متعدد را مسکوت گذاشته است. ابهام در چگونگی اجرای قاعده جمع مجازات‌ها یکی از این دشواری‌هاست که البته رویه قضایی با امعان نظر به برخی مصلحت‌های سیاست جنایی و ملاحظه‌های عملی تا اندازه‌ای در صدد رفع آن برآمده است. مشخص نبودن سقف تشدید مجازات در جرایم مشابه نیز دشواری دیگری است که گره آن تنها به دست خود قانونگذار گشوده می‌شود.

سرانجام، ابهام در تشخیص مجازات اشد دشواری بزرگ‌تری است که به کل نظام عدالت کیفری ایران باز می‌گردد. زیرا از یک سو، پیامد تحولات کیفری پس از انقلاب در قلمرو طبقه‌بندی جرایم و مجازات‌هاست و از سوی دیگر، بستر مناسبی برای در معرض خطر قرار دادن حقوق و آزادی‌های فردی متهمان و مرتکبان جرایم متعدد فراهم می‌سازد و بی‌توجه ماندن به آن هزینه‌های جبران‌ناپذیری - به ویژه در سطح بین‌المللی - به همراه خواهد داشت.

فهرست ارجاع‌ها

- ۱ - آزمایش (دکترسیدعلی)، تقریرات حقوق جزای اختصاصی، پلی کی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷.
- ۲ - اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامی، ناشر: معاونت پژوهش، تنقیح و تدوین قوانین و مقررات (ریاست جمهوری)، تابستان ۱۳۸۰.
- ۳ - اردبیلی (دکتر محمدعلی)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۷۷.
- ۴ - اردبیلی (دکتر محمدعلی)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، انتشارات میزان، ۱۳۷۹.
- ۵ - استنفانی (گاستون)، لواسور (ژرژ)، بولک (برنار)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- ۶ - اکبری (حسین)، مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، ناشر: روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.
- ۷ - بازگیر (یدالله)، قانون مجازات اسلامی در آیین آرای دیوان عالی کشور - ۱، قتل عمد، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- ۸ - پیمانی (دکتر ضیاءالدین)، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، ناشر: معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۴.
- ۹ - دلماس مارتی (میری)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، جلد نخست، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
- ۱۰ - رایجیان اصلی (مهرداد)، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم رانندگی، کانون. ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۲۲ دی و بهمن ۱۳۷۹.
- ۱۱ - رایجیان اصلی (مهرداد)، تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱.
- ۱۲ - الزحیلی (الدکتور وهبه)، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۶، دمشق

دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.

۱۳- شهری (غلامرضا)، ستوده جهرمی (سروش)، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در امور کیفری، انتشارات روزنامه رسمی، جلد اول، ۱۳۷۳.

۱۴- شهری (غلامرضا)، ستوده جهرمی (سروش)، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در امور کیفری، انتشارات روزنامه رسمی، جلد دوم، ۱۳۷۹.

۱۵- طاهری نسب (سیدیزداله)، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، انتشارات دانشور، ۱۳۸۱.

۱۶- عوده (عبدالقادر)، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، الرساله، ۱۹۹۳ م.

۱۷- قربانی (فرج الله)، مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷.

۱۸- کلاتتری (کیومرث)، تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، رساله دکتری جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۸۱.

۱۹- مظفر (الشیخ محمد رضا)، اصول الفقه، دارالنعمان، ۱۳۸۶ / ۱۹۶۶ م.

۲۰- منتظری (محمدجعفر)، جرم سیاسی، روند تهیه لایحه قانونی و طرح مصوب، ناشر: مؤلف، تیر ماه ۱۳۸۰.

۲۱- نور بها (دکتر رضا)، زمینه حقوق جزای عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۱.

۲۲- ولیدی (دکتر محمد صالح)، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.



پښتونستان د علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انسانی